



# Alliance School of Sanandaj (1901-1910): Foundation and Performance

Parasto Mozafari<sup>1</sup> | Mohsen Rahmati<sup>2</sup> | Jahanbakhsh Savagheb<sup>3</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract:

**Purpose:** The purpose of this study is to investigate the process of formation of the Sanandaj Alliance School, how its administrators interfered in the affairs of the Jewish community of the city, and the responses they received from the Jewish congregation and local authorities.

**Method and Research Design:** Archival and library resources were examined for collecting and analysis.

**Findings and conclusion:** The school was founded upon repeated request of the Jewish community of Sanandaj the Universal Jewish Alliance (Alliance of Israel) as the community found traditional Jewish education weak in contion with the Christian community of the city. The school administrators, however, were keen, apart from education, to interfere in the political affairs of the Jewish community.

**Keywords:** Kurdistan, Sanandaj, Jews, Education, Israeli Alliance.

**Citation:** Mozafari, Parasto, Rahmati, Mohsen, Savagheb, Jahanbakhsh. (2021). Alliance School of Sanandaj (1901-1910): Foundation and Performance. *Ganjine-ye Asnad*, 31(1), 108-137. | doi: 10.22034/ganj.2021.2629

1. PhD Student History, Lorestan University, Khoramabad, I. R. Iran  
parastoomozafari@yahoo.com

2. Professor of History, Lorestan University, Khoramabad, I. R. Iran, (Corresponding Author)  
mohsenrahmati45@gmail.com

3. Professor of History, Lorestan University, Khoramabad, I. R. Iran  
jahan\_savagheb@yahoo.com

Copyright © 2021, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«121»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.22034/GANJ.2021.2629

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 1, Spring 2021 | pp: 108 - 137 (30) | Received: 28, Jun. 2019 | Accepted: 1, Mar. 2020

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیمیوی

مقاله پژوهشی

# شکل‌گیری و عملکرد مدرسه آلیانس اسرائیلیت سنندج و واکنش‌ها به آن (۱۳۱۹-۱۳۲۸ ق)

پرستو مظفری<sup>۱</sup> | محسن رحمتی<sup>۲</sup> | جهانبخش ثواقب<sup>۳</sup>

## چکیده:

**هدف:** بررسی روند شکل‌گیری مدرسه آلیانس سنندج، عملکرد مدرسه در امور داخلی یهودیان و واکنش‌های جماعت یهودیان و دستگاه‌های قدرت محلی به این موضوع.

**روش / رویکرد پژوهش:** گردآوری اطلاعات به روش کتاب‌خانه‌ای مبتنی بر سندپژوهی انجام شده است؛ بررسی و تبیین اطلاعات هم‌به‌شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** شعبه آلیانس اسرائیلیت سنندج در نتیجه عواملی چون ضعف نظام آموزش سنتی یهودیان، رقابت‌های فرهنگی یهودیان با مسیحیان، درخواست‌های مکرر یهودیان از آلیانس و در نهایت تلاش اتحاد جهانی یهود (آلیانس اسرائیلیت انیورسال) برای گسترش شعبه‌های ایالتی شکل گرفت. مدیریت آلیانس سنندج، علاوه بر آموزش، به مداخله در امور سیاسی یهودیان منطقه هم تمایل داشت؛ که این موضوع واکنش‌های متفاوتی را در پی داشت.

**واژگان کلیدی:** کردستان؛ سنندج؛ قاجار؛ یهودیان؛ نظام آموزشی؛ آلیانس اسرائیلیت.

**استناد:** مظفری، پرستو، رحمتی، محسن، ثواقب، جهانبخش، (۱۴۰۰). شکل‌گیری و عملکرد مدرسه آلیانس اسرائیلیت سنندج و واکنش‌ها به آن (۱۳۱۹-۱۳۲۸ ق). گنجینه اسناد، ۳۱(۱)، ۱۳۷-۱۰۸

doi: ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۱,۲۶۲۹

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.  
parastoomozafari@yahoo.com
۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.  
mohsenrahmati45@gmail.com
۳. استاد گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.  
jahan\_savagheb@yahoo.com



## گنجینه اسناد

«۱۲۱»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۱,۲۶۲۹

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۰ | صص: ۱۳۷ - ۱۰۸ (۳۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

سنندج مرکز ایالتِ کردستانِ اردلان از دورهٔ صفوی محل استقرار اقلیت‌های دینی اعم از یهودیان و مسیحیان بود. از اواخر دورهٔ صفوی و در سراسر حکومت قاجار، تنوع مذهبی این شهر، توجه هیئت‌ها و گروه‌های تبلیغی و تبشیری و حتی نهادهای غیرمذهبی اروپایی را به خود جلب کرد و بسیاری از آن‌ها با اهداف تبلیغی و برخی نیز با هدف عرضهٔ خدمات فرهنگی به هم‌کیشان خود در آنجا حضور پیدا کردند. یکی از مهم‌ترین این نهادها، نهاد آلیانس اسرائیلیت انیورسال بود که در قرن نوزدهم میلادی با اهداف جهانی در پاریس شکل گرفت. بخشی از برنامه‌های این نهاد، رسیدگی به امور یهودیان و دگرگونی زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان بود. آلیانس پس از ورود به ایران ایالات و ولایاتی را که بخشی از جمعیت آن‌ها یهودی بود یکی پس از دیگری تحت پوشش قرار داد. نهاد مذکور که رویکردی عرفی داشت در آستانهٔ شکل‌گیری دولت مشروطه، در بسیاری از شهرهای دارای اقلیت یهودی شعبه زد. در این مدارس، علاوه بر یهودیان، فرزندان برخی از خانواده‌های مسلمان نیز تحصیل می‌کردند. در همین زمان، نهاد آلیانس اسرائیلیت در سنندج نیز نفوذ پیدا کرد و پس از مدتی با کمک یهودیان آنجا، شاخهٔ آلیانس سنندج نیز تأسیس شد. گردانندگان مدرسهٔ آلیانس این شهر، علاوه بر آموزش، رفته‌رفته به دخالت در امور ولایتی و سیاسی یهودیان نیز رغبت نشان دادند؛ موضوعی که با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد.

### پرسش‌های پژوهش

روند شکل‌گیری مدرسهٔ آلیانس سنندج چگونه بوده‌است؟  
عملکرد عوامل مدرسه در امور داخلی یهودیان چگونه بوده‌است؟  
واکنش جماعت یهودیان و دستگاه‌های قدرت محلی به دخالت عوامل مدرسه در امور داخلی یهودیان چگونه بوده‌است؟

### ارزیابی منابع و پیشینهٔ پژوهش

در بررسی موضوع پژوهش از چند دسته منبع می‌توان بهره گرفت. تاریخ‌های رسمی و سفرنامه‌ها: در این دسته از منابع، هرچند دربارهٔ یهودیان، مشاغل و آداب و رسوم آن‌ها گزارش‌هایی آمده‌است، ولی در این گزارش‌ها به‌طور خاص به مدارس آلیانس اسرائیلیت به‌عنوان پایه‌گذار نظام آموزشی نوین در میان یهودیان ایران، روند شکل‌گیری شاخه‌های ایالتی و نیز عملکرد آن‌ها به‌ویژه در ایالتی چون کردستان، اشاره چندانی نشده‌است.



اسناد آرشیوی: بخشی از این منابع در ایران و برخی در آرشیوهای کشور فرانسه -خاستگاه شکل‌گیری نهاد آلیانس- پراکنده است. در پژوهش حاضر اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه و سازمان اسناد ملی ایران مبنا قرار گرفته‌است و خلأ اسناد آرشیو فرانسه با استفاده از آثاری که بر مبنای اسناد آنجا نگارش شده‌اند جبران شده‌است. برای نمونه هما ناطق (۱۳۷۵) از پیشگامان پژوهش در این زمینه بر مبنای اسناد آرشیوهای فرانسه، بوده‌است. غفاری (۱۳۳۸) نیز در اثر خود بر همین منوال رفته‌است.

خاطرات یهودیان: از جمله خاطرات خلیلی (۲۰۰۴) از یهودیان کُرد دانش‌آموخته از مدرسه آلیانس سنندج؛ خاطرات الیاس اسحقیان (۲۰۱۰)<sup>۱</sup> از معلمان برخی از شعبات آلیانس در ایران؛ و خاطرات حاخام دیدیدا شوفط از رهبران جامعه مذهبی یهودیان ایران (۲۰۰۱)<sup>۲</sup>.

پژوهش‌های جدید نویسندگان یهود که به اسناد عبری توجهی داشته‌اند؛ از جمله حبیب لوی (۱۳۳۹).

درباره پیشینه پژوهش باید اشاره کرد که تحقیقات جدید عموماً شکل‌گیری آلیانس در ایران را به صورت کلی بررسی کرده‌اند و درباره شاخه‌های این نهاد در ایالات و ولایات مختلف ایران از جمله کردستان به جزئیات نپرداخته‌اند. برای نمونه قاسمی پویا (۱۳۷۷) در اثر خود به آلیانس در ایران و از جمله در کردستان اشاره کرده، ولی فقط به نام و زمان تأسیس مدرسه آلیانس اکتفا کرده‌است. غفاری (۱۳۳۸) نیز علاوه بر توجه به پراکندگی جغرافیایی اقلیت‌های دینی و پیدایش نهادهای فرهنگی فرانسوی هم‌چون آلیانس اسرائیلیت، در خلال مباحث خود، نگاهی محدود به شعبه آلیانس سنندج دارد. برخی از پژوهش‌های دیگر نیز که مشخصاً با محوریت آموزش یهودیان به‌نگارش درآمده‌اند، توجه چندانی به سنندج نداشته‌اند. برای نمونه، نعمتی و ادوای (۱۳۹۲) در مقاله خود به صورت کلی و بدون تمرکز بر یک منطقه معین به موضوع آموزش یهودیان از قاجار تا پهلوی پرداخته‌اند. سلطانیان (۱۳۸۹) در بخشی از مقاله خود به نهاد آموزشی آلیانس اسرائیلیت گریزی زده‌است. سادات بیدگلی (۱۳۹۶) هم طی مقاله‌ای منحصراً اطلاعاتی درباره آلیانس کاشان ارائه داده‌است که با موضوع مقاله حاضر هم‌خوانی ندارد.

پژوهش حاضر، متفاوت از پژوهش‌های مذکور با تکیه بر برخی از اسناد آرشیوی، بر روند شکل‌گیری مدرسه آلیانس اسرائیلیت و عملکرد آن در جغرافیای شهر سنندج در بازه زمانی ۱۳۱۹-۱۳۲۸ ق متمرکز شده‌است.

۱. خاطرات حاخام الیاس اسحقیان، به‌کوشش آقای گوئل کهن با عنوان «همراه با فرهنگ» در لس‌آنجلس منتشر شده‌است.  
۲. خاطرات حاخام دیدیدا شوفط به‌کوشش آقای گوئل کهن با عنوان «بر بال خرد» در لس‌آنجلس منتشر شده‌است.



## ۲. ظهور نهاد آلیانس اسرائیلیت در ایران

مدارس آلیانس اسرائیلیت ایران، مدارسی فرانسوی‌زبان و شاخه‌ای از «آلیانس اسرائیلیت انیورسال»<sup>۱</sup> (اتحادیه جهانی یهود) بودند. این نهاد را آدولف کرمیو با همراهی چند روشنفکر یهودی، با هدف مقابله با یهودستیزی در سراسر جهان، همدردی با یهودیان و رسیدگی به مشکلات آنان، در سال ۱۸۶۰م/۱۲۷۷ق در پاریس تشکیل دادند (ناطق، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵). بنیان این نهاد آزادی خواهانی پایبند به دستاوردهای انقلاب فرانسه بودند که بنابر اصل آزادی اعتقاد، حقوق یهودیان را به رسمیت می‌شناختند. نخستین اقدامات کرمیو برای ایجاد نهادهای آموزشی در ایران، به جریان یکی از سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ و سال ۱۸۷۳م/۱۲۹۰ق بازمی‌گردد. کرمیو و همراهانش در دیدار با ناصرالدین شاه، ضمن تشریح وضعیت ناگوار یهودیان ایران، از او خواستند اجازه دهد آلیانس -همان‌گونه که در بسیاری از کشورهای عرب، خاورمیانه و شمال آفریقا فعالیت می‌کند- یک رشته مدارس برای دانش‌آموزان یهودی ایران برپا کند تا اتباع یهود از طریق آموزش با «وظایفی که در قبال وطن و پادشاه خود دارند آشنا تر شوند» (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، صص ۲۷-۲۸) و نیز «عمل دخول تمدن در ایران انجام و خدمتی به این مملکت صورت گیرد» (لوی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۷۷۷).

طبق آمار منابع یهودی، اواخر قرن نوزدهم حدود پنجاه هزار یهودی در ایران زندگی می‌کردند که از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب ایران پراکنده بودند. وضع اجتماعی، اقتصادی و حقوقی یهودیان در دوره قاجار مناسب نبود (دیولافوا، ۱۳۷۱، ص ۱۹۷). متولیان آلیانس با هدف بهبود این وضعیت، نظر ناصرالدین شاه را جلب کردند و از او برای حمایت از نهضت مدرسه‌سازی یهودیان در ایران وعده گرفتند. هم‌چنین دولت ایران متعهد شد تا محل مناسب و معلم درس فارسی در اختیار این مدارس قرار دهد و چهار نفر از جوانان یهودی ایرانی (۱۳ تا ۱۵) ساله را برای ادامه تحصیل به پاریس اعزام کند تا با هزینه نهاد آلیانس آموزش‌های لازم را برای مدیریت مدرسه در ایران فراگیرند (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، ص ۲۹). با وجود این توافق، شکل‌گیری شعبه آلیانس اسرائیلیت در ایران بیش از یک‌ربع قرن به تأخیر افتاد و در نهایت هشت سال پیش از انقلاب مشروطه به وقوع پیوست.

سال ۱۸۹۸م/۱۳۱۶ق آلیانس پاریس، ژوزف کازس<sup>۲</sup> رئیس مدرسه آلیانس بیروت را به ایران فرستاد تا با جلب نظر شاهنشاه ایران (مظفرالدین شاه)، نخستین شعبه از رشته مدارس خود را در تهران تأسیس کند (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۲۰۸؛ نتصر، ۱۹۹۶، ج ۳، ص ۲۷۷). با راه‌اندازی مدرسه تهران، به تدریج شعباتی در شهرهای همدان و اصفهان نیز شکل گرفتند. پس از این نواحی، سنندج و شیراز نیز به دلیل اقلیت یهودی خود جزء نخستین شهرهایی بودند که توجه آلیانس را به خود جلب کردند.

1. Alliance Israélite Universelle.

2. Joseph Cazes.



### ۳. وضعیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی یهودیان سنندج در آستانه تأسیس مدرسه آلیانس

پس از بنیان شهر سنندج در سال ۱۰۴۶ق (مردوخ، ۱۳۷۹، ص ۳۳۲) جمعیتی از یهودیان بومی رشته‌کوه‌های زاگرس به دلیل موقعیت جغرافیایی، شرایط اقلیمی و جاذبه‌های اقتصادی این شهر به سوی آن مهاجرت کردند و ساکن آن شدند. علاوه بر سنندج، سقز، بانه، گروس (لوی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۸۰۷)، کامیاران و روانسر<sup>۱</sup> نیز جمعیتی از یهودیان را در خود جای دادند. کردهای مسلمان، یهودیان را به سبب پیروی از دین حضرت موسی (س)، موسایی می‌خواندند. یهودیان، در انجام آداب و رسوم مذهبی، در عبادتگاه‌های (کنیسه‌های) خویش آزادی کامل داشتند. آنان در هر شهر، برای دفن امواتشان، قبرستان مخصوص به خود داشتند که بومیان آن را تپه موسی‌بیه‌کان<sup>۲</sup> می‌خواندند (احمدی آیین، موسی‌بیه‌کان سنندج)، (۱۳۹۷/۹/۲۰). این جماعت، طبق شرع اسلام علاوه بر پرداخت مالیات به پرداخت جزیه نیز ملزم بودند. سرپرستی امور (مالیات، جزیه و...) و نیز محاکمات یهودیان، با نظارت دستگاه قدرت محلی اغلب به یکی از بزرگان محلی کردستان واگذار می‌شد؛ ولی پس از شکل‌گیری نهاد کارگزاری در کردستان، حل و فصل «امور ملل متنوعه» از جمله یهودیان با کارگزاری بود (استادوخ، ۱۳۲۵، ک ۱۶، پ ۱۱، ۱۹).

پولاک، طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه، درباره مشاغل یهودیان می‌گوید: «گذران زندگی آن‌ها اغلب با ابریشم‌بافی و جواهرسازی است. الکل، عرق، شراب، آمونیاک، اسیدکلریدریک، اسیدسولفوریک و اسیدنیتریک درست می‌کنند و در علم شیمی خبره‌اند؛ به‌همین دلیل در کار ضرب سکه و جودشان بسیار مغتنم است و کارهای فنی این هنر را مباشرت می‌کنند. بسیاری از آنان نیز اطبای معتبری هستند» (پولاک، ۱۳۳۸، ص ۲۸).

یهودیان غرب ایران بیشتر در کار تجارت بودند و با یهودیان بغداد روابط تجاری خوبی داشتند. گاه بازرگانان یهودی از بغداد می‌آمدند و در نواحی غربی از جمله در کرمانشاه ساکن می‌شدند (رابینو، ۱۳۹۱، ص ۳۸). بخش اعظمی از تجارت کرمانشاه و همدان در دست یهودیان این مناطق بود. تریاک، روده، پشم و سنگ گوگرد از جمله محصولات صادراتی مناطق مذکور بود (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۸۶). یهودیان کردستان اگرچه در تجارت حضور داشتند، ولی چندان موفق نبودند. آنان هم‌چون یهودیان ترکمنستان شغل طبابت را منحصراً در اختیار داشتند و «نخستین پزشکان و داروفروش‌های سنندج از یهودیان بودند» (ایازی، ۱۳۷۱، ص ۲۷۶).

یهودیان سنندج در کوی مستقلی موسوم به کوی موسی‌بیه‌کان (موسی‌ها) واقع در محله بازار اقامت داشتند (احمدی آیین، موسی‌بیه‌کان سنندج)، (۱۳۹۷/۹/۲۰). سفرنامه‌نویسانی

۱. در عهد قاجار کردستان به مرکزیت سنندج دارای هفده تا هیجده بلوک تابع بود، مانند سقز، بانه، بیجار، جوان‌رود و... که همگی از نظر سیاسی و اداری تابع والی‌نشین اردلان بودند.  
۲. موسی‌بیه‌کان تلفظ واژه کردی موسی‌ها است.



که از اوایل دوره قاجار تا ظهور دولت مشروطه از سندج دیدار کرده‌اند، آمار جمعیت یهودیان را به تفصیل ذکر کرده‌اند. برای نمونه، ریچ در اوایل دوره قاجار یعنی مقارن با سال ۱۸۲۰م/۱۲۳۵ق، تعداد خانوارهای یهودی ساکن سندج را دویست خانوار ذکر کرده‌است (ریچ، ۲۰۰۲، ص ۱۹۸). اعضای هیئت روسی به ریاست مسیو چریکوف - که در سال ۱۸۵۱م/۱۲۶۷ق در سندج حضور یافتند - ضمن طراحی نقشه شهر و ارائه اطلاعاتی از آثار و اماکن آن، در برآوردی، جمعیت شهر را ده هزار نفر عنوان کردند که حدوداً ۶۰۰ نفر آن‌ها یهودی بودند که در قالب ۱۰۰ خانوار قرار داشتند (چریکوف، ۱۳۷۹، ص ۱۸۹؛ مهریار، ۱۳۷۸، ص ۱۹۵). اوایل دوره مشروطه، یکی از نمایندگان آلیانس، شمار یهودیان سندج را ۴۸۰ خانوار معادل ۱۹۰۰ نفر ذکر کرده‌است (لوی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۸۰۷).

یهودیان سندج و دیگر شهرهای کردستان نیز مانند سایر اهالی منطقه به زبان کردی سخن می‌گفتند. یهودیان علاوه بر کردی، به گویشی دیگر موسوم به «هولائولا»<sup>۱</sup> (به معنای «واژه ساده یهودی») نیز سخن می‌گفتند که اگرچه ریشه در زبان باستانی «آرامی»<sup>۲</sup> داشت، سرشار از واژه‌های فارسی، عبری و کردی بود و از قوی‌ترین گویش‌های نوآرامی یهودیان کردتبار امروزی است. کردان ایرانی، این گویش را «لی شانا اخنی» یعنی «زبان ما» می‌نامیدند. است (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، صص ۲۲۰-۲۲۱).

برخلاف روابط غیردوستانه مسلمانان شهرهای دیگر با یهودیان ایرانی، گزارش‌ها حاکی از آن است که در سندج نوعی از دمکراسی اجتماعی بر فضای روابط اجتماعی و ارتباطات رسمی مسلمانان با غیرمسلمانان حاکم بوده‌است. خاخام اسحقیان - که مدیریت مدارس آلیانس چندین شهر مختلف را در کارنامه خود دارد - در این زمینه می‌گوید: برخلاف «سایر مسلمانان شهرهای دیگر، روابط کردهای سنی مذهب سندج با یهودیان، به مراتب بهتر و دوستانه‌تر بود و تحقیر و توهین یهودیان که در تاریخ سیصدساله اخیر در بسیاری از شهرهای ایران وجود داشته‌است در این شهر وجود نداشت» (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، ص ۲۶۶).

یهودیان این منطقه هم‌چون دیگر یهودیان ایران از لحاظ فرهنگی و آموزشی وضع مطلوبی نداشتند و آموزش در میان آن‌ها اغلب محدود به آموزش‌های سنتی و مکتب‌خانه‌ای بود (لوی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۸۰۷). سال‌های نزدیک به رخداد انقلاب مشروطه، با شروع فعالیت رسمی نهاد آلیانس در ایران مصادف شد و این نهاد می‌رفت تا یهودیان نواحی مختلف ایران از جمله یهودیان سندج را وارد مرحله‌ای نوین از حیات فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی کند. در بازه زمانی مذکور یکی از نخستین شعبات مدرسه آلیانس در ولایت کردستان به مرکزیت سندج راه‌اندازی شد.

1. Hulaula  
2. Aramic



تسریع حضور نهاد آلیانس در سندج دلایلی داشت که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

#### ۴. علل پیدایش مدرسه آلیانس اسرائیلیت سندج

بی‌تردید در شکل‌گیری هر رخداد سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی، مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذارند. برپایه این توضیح، شکل‌گیری مدرسه آلیانس سندج به‌عنوان رخدادی فرهنگی معلول چندین عامل مهم از قرار زیر بود:

#### ۱.۴. واکنش یهودیان به آموزش سنتی و مکتب‌خانه‌ای

پیش از دوره قاجار و در دوران حاکمیت صفویان، آموزش در میان یهودیان ایران در مدارس سنتی-مذهبی متمرکز بود که در اصطلاح یهودیان به آن (یشیوا)<sup>۱</sup> می‌گفتند. این نهاد در شناخت و توسعه الهیات یهود طی تاریخ چند هزار ساله آن اهمیت و نقشی عمده داشت و به اورشلیم و مراجع دینی بغداد وابستگی زیادی داشت. با گسترش نفوذ مسیحیان و حمایت شاه‌عباس از آنان، مدارس سنتی-مذهبی (یشیوا) رفته‌رفته تضعیف شد تا جایی که در آستانه شکل‌گیری نهاد آلیانس در ایران به مکتب‌خانه‌های کوچکی منحصر شده بود (کهن، ۲۰۱۰، صص ۹۶-۹۷).

یهودیان مناطق مختلف ایران، مکتب‌خانه‌های خود را خانه‌ملا یا ملاخانه می‌نامیدند. یهودیان شیراز به مکتب‌خانه، کو‌توخونه می‌گفتند (نتصر، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۱۱۶). هدایت و سرپرستی این خانه‌ملاها در دست خاخام، یا همان روحانیون محلی یهودی بود (لوی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۸۰۷). کردهای کرمانشاه و کردستان به روحانیون محلی یهود خلیفه می‌گفتند (ایازی، ۱۳۷۱، ص ۲۰).

آموزش در مکاتب یهود به زبان عبری و در حد تعالیم مقدماتی از جمله خواندن شریعات و قرائت متون دینی مانند تورات، و نمازهای سه‌گانه روزانه (تفیلا) بود (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، ص ۲۲۸). یهودیان بدین شکل زبان عبری کلاسیک را برپایه نثر توراتی و سایر کتب مقدسه فرامی‌گرفتند. خواندن و نوشتن نیز با حروف عبری انجام می‌شد و در برخی مکتب‌ها زبان فارسی با حروف عبری «خط فارسی هود (فارسی-یهودی)»<sup>۲</sup> نوشته و آموزش داده می‌شد (کهن، ۲۰۱۰، ص ۹۷).

شاگردان مکاتب یهودی را عمدتاً پسران ۴ تا ۱۳ ساله تشکیل می‌دادند. شمار دختران در مکتب‌خانه‌های یهودی، هم‌چون مکتب‌خانه‌های مسلمانان اندک بود. تفکرات سنتی غالب که سوادآموزی را برای دختران لازم نمی‌دانست و کمبود یا نبود معلم زن از عوامل منع حضور دختران در مکتب‌خانه‌ها بود.

1. Yeshiva

1. Farsĥūd (Farsī-yahŭdi)





اگرچه در بیشتر مناطق امکان ادامه تحصیل برای دانش‌آموختگان یهودی فراهم نبود، ولی در میان یهودیان ساکن غرب ایران، وضعیت اندکی متفاوت‌تر بود. ساکنان نواحی غربی، به سبب پیوستگی خاک، مراودات نزدیکی با عثمانی داشتند. گروهی در دیدار از یهودیان همدان می‌گوید: «بین یهودیان همدان و بغداد از دیرباز روابط خویشاوندی و تجاری برقرار بوده است» (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۸۶). بخشی از یهودیان همدان در سال‌های بعد، به دلیل افزایش جمعیت به سنندج و بیجار مهاجرت کردند (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۹۳). یهودیان در جریان روابط خود با بغداد متأثر از فضای فرهنگی آنجا فرزندان خود را برای آموزش‌های دینی در سطوح بالاتر به بغداد روانه می‌کردند.

در دوره قاجار کیفیت مکاتب سنتی یهودی از مکتب‌خانه‌های مسلمانان پایین‌تر بود. مدارس علوم دینی اسلامی اغلب موضوعات پیچیده‌ای را به طلاب می‌آموختند که در مکتب‌خانه‌های یهودی از آن خبری نبود. منابع یهودی معتقدند، یهودیان ایران، پیش از پیدایش مدارس آلیانس، وضعیت آموزشی مطلوبی نداشته‌اند. آن‌ها دلیل این عقب‌ماندگی فرهنگی و آموزشی را کیفیت پایین سطح زندگی و محرومیت یهودیان از پاره‌ای از حقوق اجتماعی ذکر کرده‌اند (امیر، ۲۰۱۴، ج ۲، ص ۴۲۷). شکل‌گیری مدرسه آلیانس در ابتدا واکنشی به کاستی‌ها و نواقص شیوه آموزش سنتی یهودیان بود. آلیانس در ادامه از طریق توسعه آموزش نوین در میان یهودیان و افزایش سطح آگاهی آنان، بر آن شد تا وضعیت حقوقی و کیفیت زندگی اجتماعی یهودیان را بهبود بخشد.

## ۲.۴. رقابت فرهنگی و آموزشی یهودیان با مسیحیان

در دوره قاجار، علاوه بر مسلمانان و یهودیان، جمعیتی از مسیحیان نیز در سنندج ساکن بودند. متون محلی از این تنوع مذهبی به «ملل متنوعه» یاد کرده‌اند (سنندجی، ۱۳۷۵، ص ۱۷). چریکوف (از سیاحان دوره قاجار) در بازدید از سنندج، به خوبی این گوناگونی را به تصویر کشیده و به رقابت و اختلاف یهودیان با مسیحیان در عرصه‌های مختلف اشاره کرده است (چریکوف، ۱۳۷۹، ص ۱۸۹). به نظر می‌رسد که از اواخر دوره ناصری رقابت یهودیان و مسیحیان بر سر مسائل فرهنگی و آموزشی نمود بیشتری داشته است. زمانی که مسیحیان با هزینه‌های شخصی مدرسه و کلیسا تأسیس کردند و معلم-کشیش از موصل استخدام کردند (استادوخ، ۱۳۳۱، ک ۲۵، پ ۳۸، ۹)، یهودیان نیز به تکاپو افتادند. این رقابت، به دنبال ورود میسیونرهای کاتولیک به عرصه آموزش مسیحیان و شکل‌گیری مدرسه لازاریستی سنندج به اوج رسید. مدرسه مذکور در سال ۱۳۱۱ ق به سبک نوین تأسیس شد (ناطق، ۱۳۷۵، صص ۲۰۳-۲۰۴).



شکل‌گیری مدارس جدید مسیحی، ضعف شیوه آموزش مکتب‌خانه‌ای را برای یهودیان آشکار کرد و از طرفی به زنگ خطری برای آنان تبدیل شد. مسیحیان پروتستان که تحت حمایت انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها بودند به موازات تبلیغات گسترده در ایران برای جلب یهودیان به مسیحیت، به ایجاد مدرسه در میان محله‌های یهودیان پرداختند. نمونه‌هایی از این مدارس در شهرهای گوناگون مثل تهران، اصفهان، یزد، همدان، شیراز، سنندج و... برپا شد که مدرسه «نور صداقت» تهران از جمله آن‌ها بود (خاطرات الیانس اسحقیان، ۲۰۰۸، ص ۳۲).

یکی از سیاست‌های گردانندگان رشته مدارس مسیحی، حمایت مالی و توزیع کالا و پول در میان خانواده‌های فقیر و کم‌بضاعت یهودی بود تا آنان را به نام‌نویسی فرزندانشان در این مدارس ترغیب کنند. علاوه بر این، آن‌ها زبان عبری را هم در فهرست مواد آموزشی مدرسه گنجانده (نتصر، ۱۹۹۶، ج ۱، ۱۲۰-۱۲۱).

روحانیون یهودی از حضور فعال مسیحیان و تبلیغات آنان واهمه داشتند. ترس از انحرافات دینی کودکان یهودی و تضعیف باورمندی توحیدی آنان، ناخواسته یهودیان را به عرصه رقابت فرهنگی با مسیحیان کشاند. این دل‌مشغولی حس مشترک همه جامعه پراکنده یهودیان ایران بود. یهودیان نواحی مختلف از جمله سنندج، راه غلبه بر این دغدغه را توجه به آموزش نوین می‌دانستند. در آن زمان تنها ناجی برای برون‌رفت از این بن‌بست فرهنگی، نهاد آلیانس بود تا یهودیان را به جایگاه برابر یا حتی برتر از مسیحیان برساند. از این رو زمانی که این نهاد در ایران نفوذ کرد و شاخه‌های ایالتی خود را گشود، در کانون‌های فعال مسیحیان (کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها) در نواحی ارومیه، اصفهان، تهران، همدان و... زیاد از آن استقبال نشد. ناطق اشاره می‌کند که این وضعیت در سنندج نیز حاکم بود؛ چنان‌که «فرانسویان و آمریکایی‌ها، نهادهای یهودی را رقیبی خطرناک در آنجا تلقی می‌کردند». زمانی که مدرسه آلیانس اسرائیلیت سنندج راه‌اندازی شد، سرپرست هیئت میسیونرهای کاتولیک سنندج از آن بانام «خطر بزرگ» یاد کرد. او در گزارش خود برای سرپرست کاتولیک‌های تهران می‌نویسد: «شمار یهودیان در شهر زیاد است. آنان مدرسه بزرگی گشوده‌اند و همه، زبان را در آن می‌آموزند و این خطر بزرگی برای عیسویان است» (ناطق، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵).

### ۳.۴. روابط یهودیان سنندج با بغداد و آشنایی با خدمات آلیانس از نزدیک

پیشتر اشاره شد که گونه‌ای از روابط خویشاوندی و اقتصادی میان یهودیان سنندج با بغداد وجود داشت. این مراودات به تدریج یهودیان سنندج را با نقش و جایگاه مدرسه آلیانس در بهبود وضعیت هم‌کیشان بغدادی آشنا کرد؛ بنابراین آن‌ها هم برای دستیابی به این مهم

و جلوگیری از انحرافات دینی فرزندانشان، در آخرین سال‌های دهه پایانی قرن نوزدهم میلادی و پیش از ایجاد نخستین مدرسه آلیانس اسرائیلیت در ایران، با دفتر مرکزی این نهاد در پاریس ارتباط برقرار کردند و تأسیس مدرسه را خواهان شدند (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، ص ۲۲۳). آنان این مکاتبات را از طریق دفتر آلیانس در بغداد انجام می‌دادند.

موضوع نامه‌های ارسالی، علاوه بر اشاره به کیفیت نامطلوب زندگی یهودیان، تشریح وضعیت نابه‌سامان آموزش اطفال، کمبود امکانات و منابع مالی و در نهایت تمنا برای جلب توجه آلیانس برای ساخت مدرسه در سنندج بود. متن یکی از این نامه‌ها بدین شرح است: «شهر ما ۴۰۰ خانوار یهودی دارد همه فقیر، و وسیله تأسیس مدرسه نداریم، بسیار موردخفت می‌باشیم. شهر ما مانند بهشت دارای درخت و آب است، ولی ما متأسفانه نمی‌توانیم از این موقعیت استفاده کنیم. بعد از مرگ [ناصرالدین‌شاه] وضع ما بدتر شده است. مکرر از شما تقاضای مدرسه نمودیم ولی جواب ندادید. آدرس شما از ارض مقدس رسیده است. به ما رحم کنید و یک مدرسه اینجا تأسیس نمایید تا از بی‌علمی به‌درآییم. هیچ امیدی به غیر شما نداریم. اعتماد ما بر خدا است. متمنی است ما را به جواب مفتخر نمایید» (لوی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۷۷۲).

مکاتبات جماعت یهودی سنندج با آلیانس اسرائیلیت نتیجه‌بخش بود و «اتحادیه جهانی یهود» وعده داد آنان را از نعمت آموزش نوین بهره‌مند سازد. آلیانس برای ضمانت اجرای وعده‌هایش ۴-۵ نفر از کودکان یهودی سنندجی را در شعبه بغداد پذیرفت (ناطق، ۱۳۷۵، ص ۱۴۰؛ همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، ص ۲۲۳).

#### ۴.۴. تلاش آلیانس برای گسترش شاخه‌های ایالتی

از اوایل دوره مظفرالدین‌شاه، آلیانس اسرائیلیت نخستین شعبه از مدارس خود را در تهران گشود. پس از آن، این نهاد، طبق سیاست‌های فرهنگی خود درصدد برآمد تا شعبه‌هایش را در ایالات و ولایات دیگر گسترش دهد و آموزش یهودیان ایران را در زیر چتری واحد سامان دهد. از این رو به شهرهایی هم‌چون سنندج که بخشی از ساکنان آن یهودی بودند توجه شد.

سنندج از دیرباز میان یهودیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود (کهن، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹). فارغ از این اهمیت، درخواست‌های مکرر جامعه یهودیان این شهر، نهاد آلیانس را واداشت تا با هدف ایجاد پایگاهی جدید برای ترویج فرهنگ قومی یهود، پس از راه‌اندازی مدرسه در تهران، همدان و اصفهان، در آنجا نیز شعبه‌ای احداث کند. بدین منظور، مسیو باسان<sup>۱</sup> و همسرش مادام باسان، مدیر مدرسه آلیانس اسرائیلیت



همدان، مأمور شدند تا وضعیت یهودیان کردستان را بررسی کنند. شاخه آلیانس همدان پیشتر در سال ۱۹۰۰م/۱۳۱۷-۱۳۱۸ق شکل گرفته بود (جکسن، ۱۳۵۷، ص ۱۷۱).

مسیو باسان در بخشی از گزارش سفر خود آورده‌است: «من به‌صورت سرزده به سنندج رفتم؛ جماعت یهود شهر، سواره به پیشواز من آمدند و گفتند تا برای ما مدرسه ایجاد نکنی محال است اجازه دهیم از اینجا بروی» (لوی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۸۰۷). نماینده آلیانس، پس از دیدار با یهودیان شهر، با برخی از چهره‌های مذهبی و سیاسی، مانند شیخ شکرالله، آصف‌دیوان و مشیردیوان نیز دیدار کرد. ظاهراً هدف این ملاقات‌های شخصی، جلب حمایت اشخاص مذکور برای تأسیس مدرسه بوده‌است. شیخ شکرالله طرفداران زیادی در سنندج داشت و «واجب‌الاطاعه بود» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۲، ص ۴۴۲). جلب نظر شیوخ متنفذی چون او، می‌توانست مخالفت‌های احتمالی را به حداقل برساند.

اطلاعات باسان حاکی از آن است که در آن زمان در شهر سنندج قریب به ۲۱۰ پسر و ۱۲۴ دختر دارای شرایط رفتن به مدرسه بوده‌اند و وضع آموزشی افراد تحت آموزش شاخام‌های محلی چندان مطلوب نبوده‌است (لوی، ۱۳۳۹، ج ۳، صص ۸۰۷-۸۰۸). دستاورد سفر باسان به سنندج، برای آلیانس فرانسه قابل قبول بود؛ در نتیجه آنان با گشایش شعبه سنندج موافقت کردند. در ادامه، توجهات آلیانس به یهودیان این منطقه بیشتر شد و شعبه سنندج با حضور ۲۲۵ دانش‌آموز پسر و ۶۵ دانش‌آموز دختر (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، ص ۲۲۴) در سال ۱۳۱۸ق تأسیس شد (ساکما، ۲۶۹۰۵-۲۹۷).

آلیانس برای شروع، مکانی را در سنندج اجاره کرد و در ادامه برای بنای ساختمان رسمی، رئیس مدرسه آلیانس اسرائیلیت تهران - مسیو هوخبرگ<sup>۱</sup> - را به سنندج روانه کرد. ورود هوخبرگ به سنندج با سال ۱۳۲۱ق مصادف بود. نماینده اعزامی آلیانس برای تأسیس ساختمان مدرسه با مشکلاتی مواجه شد (استادوخ، ۱۳۲۱، ک ۲۸، پ ۵، ۴۸)؛ که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

## ۵. مشکلات و موانع اولیه در راه تأسیس ساختمان مدرسه آلیانس سنندج

پس از گرفتن امتیاز راه‌اندازی شعبه آلیانس سنندج، چند سال بعد نمایندگان آلیانس با حضور در آنجا با مشکلاتی روبه‌رو شدند که بخشی از آنها، مانند موانع اداری و اقتصادی به جریان پیش از بنیان نهادن مدرسه و برخی هم‌چون مشکلات فرهنگی به سال‌های نخست فعالیت مدرسه بازمی‌گردد.

1. basan  
2. Hokhberg



## ۱.۵. موانع اداری

زمانی که مسیو هوخبرگ و همراهانش، برای تعیین مکانی برای مدرسه، به سندج رفتند ناصرالملک حکمران کردستان مانع از اقدام آنان شد (استادوخ، ۱۳۲۱، ک ۲۸، پ ۵، ۴۷). ظاهراً نماینده آلیانس، مدارک مورد نیاز و فرمان رسمی دولت ایران برای تأسیس شاخه آلیانس سندج را ارائه نداده بود. مسیو هوخبرگ از ناصرالملک در وزارت امور خارجه شکایت کرد و حتی مشیرالدوله وزیر امور خارجه را هم به همدستی با حاکم کردستان متهم کرد. مشیرالدوله ضمن اظهار بی اطلاعی، از ناصرالملک در این زمینه توضیحاتی خواست. ناصرالملک علت مخالفت حکومت محلی را طی نشدن روال قانونی موضوع عنوان کرد (استادوخ، ۱۳۲۱، ک ۲۸، پ ۵، ۴۶).

بی توجهی نمایندگان آلیانس به قوانین داخلی دولت ایران و قصور در ارائه تقاضانامه رسمی و مدارک مورد نیاز، در گشایش برخی از شعبات دیگر هم تکرار شد. مثلاً در ساخت مدرسه یزد هم، رئیس اداره معارف یزد با نماینده آلیانس مشکلاتی مشابه پیدا کرد. نمایندگان آلیانس، بی توجهی به قوانین جاری را با نیاز سریع به راه اندازی شعبات توجیه می کردند. دولت ایران از همان ابتدا با این موضوع با قاطعیت برخورد کرد و هر گونه تخطی در این زمینه را برابر با تعطیلی مدارس آلیانس اعلام کرد (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، صص ۱۵۱-۱۵۲).

## ۲.۵. مشکلات اقتصادی

تأسیس ساختمان مناسب برای مدارس منابع مالی می طلبد. اگرچه آلیانس برای مخارج مدارس از پاریس بودجه می فرستاد و دانش آموزان فقیر را رایگان آموزش می داد، ولی همواره در تأمین مخارج از پشتیبانی مالی تجار و بازرگانان یهودی بهره می گرفت. یهودیان هر منطقه علاوه بر پرداخت هزینه تحصیل دانش آموزان، در اجاره یا ساختن ساختمان مدارس هم کمک می کردند.

بر اساس اسناد موجود، جماعت یهودیان سندج نیز حامی مالی آلیانس بوده اند و «زیاده از مقام و اندازه خودشان» به آلیانس کمک می کرده اند (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵، ۱۴۱)؛ شاید به عنایت الهی فرزندانشان در مدرسه «از ظلمت و جهل و نادانی رها می شوند و پایشان به دایره تمدن و انسانیت باز می شود» (استادوخ، ۱۳۲۷، ک ۵، پ ۳، ۱۱). این همکاری مالی، و پرداخت به موقع یا حتی پیش از موعد شهریه ها به زمان احداث مدرسه محدود نبود و در طول حیات آلیانس در سندج تداوم داشت. چنان که خاخام الیاس اسحقیان در زمان مدیریت بر شاخه آلیانس سندج از مقایسه میزان مشارکت مالی



یهودیان این شهر با شهری چون یزد اذعان می‌کند: «تنها جایی که از نظر شهریه راحت بودم و مدرسه از این طریق درآمد داشت سنندج بود؛ در یزد این مبلغ صفر بود» (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، ص ۲۴۱).

آلیانس با ایجاد شبکه اجتماعی گسترده با تجار محلی یهود تلاش می‌کرد تا از محل درآمد حاصل از این روابط، برای گسترش شعبه‌های مدارس ساختمان اجاره کند و یا زمین‌هایی برای بنای مدارس بخرد. این اقدام در درازمدت و در شرایط بحران مالی و اقتصادی آلیانس نقشی مهم در تداوم فعالیت شعبات آن داشت. برای نمونه طی جنگ جهانی اول، بحران مالی آلیانس باعث قطع بودجه ارسالی از پاریس و در نهایت تعطیلی بسیاری از مدارس آن در ایران شد. در این زمان یهودیان متمول با تشکیل انجمن‌های معارف در ولایات و مشارکت مالی و جمع‌آوری اعانه‌های مردمی، شعبات آلیانس را بازگشایی کردند (ساکما، ۱۷۲۳۸-۲۹۷). به این ترتیب حیات مدارس بر پایه همیاری‌های درون‌اجتماعی یهودیان تداوم یافت. تأمین این منابع اگرچه در شهرهای مختلف ممرهای متفاوتی داشت، ولی در برخی از موارد هم مشترک بود. برای نمونه یهودیان سنندج هم‌چون یهودیان، کرمانشاه، یزد و کاشان از محل عوارض درون‌اجتماعی بر گوشت مصرفی مبلغی را پرداخت می‌کردند. منابع نشان می‌دهند که پس از رفع مشکلات مالی آلیانس و برقراری مجدد بودجه ارسالی از پاریس، بودجه مدارس آلیانس دوباره برقرار شد (همراه با فرهنگ، ۲۰۰۸، ص ۱۱۰؛ ساکما، ۲۶۹۰۵-۲۹۷).

### ۳.۵. مشکلات فرهنگی

پس از رفع مشکلات اولیه مهم‌ترین مانع در برابر گردانندگان آلیانس ضعف فرهنگی جامعه یهودی بود. ورود آلیانس - به عنوان نهادی غیر مذهبی - به حوزه آموزش یهودیان با مخالفت حامیان مکاتب سنتی یهود روبه‌رو شد. آنان از فراموش شدن سنت‌های دین یهود در فضای غیر مذهبی این مدارس هراس داشتند و به تعامل و همگرایی با نظام آموزش جدید روی خوش نشان نمی‌دادند. آلیانس، برای مقابله با این واگرایی، آموزش‌های دینی و زبان عبری را در مواد درسی خود گنجانده تا از میزان کشمکش‌ها با روحانیون سنتی یهودی کاسته شود. با این حال مدت‌ها طول کشید تا شدت بهانه‌جویی‌های مخالفان فروکش کند (سرشار، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱).

یکی دیگر از موانع فرهنگی آلیانس، موضوع آموزش دختران بود. هم‌زمان با گشایش مدارس پسرانه، این نهاد به دنبال جذب دختران در نظام آموزشی خود بود. مخالفت خانواده‌های یهودی سنندج با آموزش دختران، مهم‌تر از مشکلات اقتصادی و کمبود معلم

زن بود (خلیلی، ۲۰۰۴، ص ۳۳). دختران یهود طبق رسوم سنتی حق نداشتند به تنهایی از خانه خارج شوند و اغلب در سنین نه تا سیزده سالگی ازدواج می کردند. آلیانس، به عنوان نماد آموزش و فرهنگ مدرن غربی به مقابله با این دیدگاهها برخاست. موفقیت آلیانس در این زمینه چشمگیر بود و توانست دختران یهود و حتی غیر یهود را به مدارس خود جذب کند. برای نمونه، در سنندج با بسترسازی فرهنگی مدیران آلیانس، طولی نکشید که مدرسه دخترانه نیز شکل گرفت. جماعت یهودیان سنندج در افتتاح مدرسه مذکور مشارکت عمده‌ای داشتند (خلیلی، ۲۰۰۴، ص ۳۳).

## ۶. کیفیت و چگونگی آموزش در مدارس آلیانس

آلیانس به عنوان نهادی برخاسته از کشور فرانسه، مروج آموزش مدرن غربی بود. بیشتر معلمان این رشته مدارس، از فرانسه به ایران می آمدند. معلمان آلیانس همان شیوه‌های تحصیل و تدریس در کشور فرانسه را در ایران هم پیاده می کردند. بچه‌ها نخست وارد دوره‌ای مقدماتی به نام کلاس تهیه می شدند تا حروف الفبای عبری و چگونگی هجی کردن کلمات را فراگیرند. آموزش الفبا و زبان عبری به دلیل کمبود وسایل چاپ، بدین شکل بود که بر روی تخته، برگه کاغذی را می چسباندند و حروف الفبا را با خط درشت بر روی آن نقاشی می کردند. دوره تهیه، یک سال طول می کشید و شاگردان پس از این مرحله وارد کلاس اول می شدند. در کلاس اول زبان فارسی و عبری هم‌زمان تدریس می شد. در کلاس دوم، علاوه بر زبان فارسی و عبری، فرانسه (سالنامه معارف کردستان ۱۳۱۵-۱۳۱۶، ص ۲۴) و دروسی دیگر مانند جغرافیا، تاریخ و حساب نیز آموزش داده می شد (ساکما، ۲۶۹۰۵-۲۹۷). سن تحصیل برای دختران تا چهارده سالگی تعیین شده بود و براساس وظایفی که به عنوان همسر و مادر در آینده متوجه آنان می شد، تربیت و آموزش آنان با پسران متفاوت بود (خلیلی، ۲۰۰۴، صص ۳۴-۳۵). براساس این هدف، یک بخش مهارت‌های متفاوت به دختران آموزش داده می شد تا در اداره زندگی از آن بهره ببرند. علاوه بر آموزش خانه‌داری، برخی از صنایع مستظرفه هم چون: قالی‌بافی، خیاطی، و دوزندگی هم از دروس اصلی مدارس دخترانه آلیانس بود (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۲۶، پ ۵، ۲۰۶).

موضوع دیگر در زمینه آموزش در مدرسه آلیانس تنبیهات بود. یکی از روش‌های تربیتی، استفاده از تنبیهات فیزیکی و غیر فیزیکی بود که مدیران و معلمان روی دانش‌آموزان خاطی اعمال می کردند. هرگونه کم‌کاری در زمینه تحصیل و رعایت نکردن ادب، با تنبیه فیزیکی با ابزارهای خاص برابر بود. ترکه زدن و به فلک بستن از رایج‌ترین تنبیهات بود؛ ولی نوع دیگری از تنبیه هم وجود داشت که به آن تنبیه لبونا<sup>۱</sup> می گفتند. لبونا کلاهی

1. labona



مخروطی شکل بود که آن را بر سر دانش‌آموز خاطی می‌گذاشتند و هنگامی که تمامی دانش‌آموزان صف بسته و آماده رفتن به کلاس بودند، او را به همه معرفی می‌کردند (خلیلی، ۲۰۰۴، ص ۳۶).

برخلاف مدارس مسیحی، مدارس آلیانس، از شیوه‌های میسیونری و تبلیغی دینی به دور بودند و غیرمذهبی بودن فضای این مدارس از یک طرف و نیز تدریس علوم مدرن از طرفی دیگر، باعث اعتبار این نهاد آموزشی فرانسوی در میان دانش‌آموزان مسلمان شد. علاوه بر مسلمانان، بهائیان، ارمنیان و آشوریان نیز به تحصیل در مدارس آلیانس علاقه‌مند شدند (سرشار، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱). گزارش‌های موجود حاکی از آن است که بیشتر رجال و خانواده‌های سرشناس، فرزندان خود را در آلیانس ثبت‌نام می‌کرده‌اند (امیر، ۲۰۱۴، ج ۲ ص ۴۲۷). دانش‌آموزان مسلمان، از آموزش زبان عبری معاف بودند و زبان فارسی و شرعیات اسلام به آن‌ها تعلیم داده می‌شد؛ بدین دلیل، همواره در کادر آموزش مدرسه، دبیران مسلمان نیز حضور داشتند. خانام یدیدیا شوفط از سیدعبدالرحیم‌نامی در مدرسه کاشان نام می‌برد که متولی این امر بوده‌است (خاطرات خانام یدیدیا شوفط، ۲۰۰۱، ص ۶۷)؛ در مدرسه آلیانس سنندج نیز این مهم برعهده یکی از روحانیون محلی به نام سیدمحمدباقر حیرت سجادی ملقب به رکن‌الاسلام بوده‌است (حیرت سجادی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴).

باوجود استقبال گروهی از مردم به تحصیل فرزندان‌شان در این مدارس، برخی از علما و عوامل مکتب‌خانه‌های مسلمانان از فعالیت این مدارس خرسند نبودند و گاه با تحریک حامیان خود باعث اختلال در امور مدرسه می‌شدند. گزارش‌های مفصلی از اختلافات طلاب یکی از مدارس علوم دینی سنندج با دانش‌آموزان یهودی آلیانس در دست است که گاه به برخوردهای فیزیکی می‌انجامیده‌است. در زمان مدیریت «لریا» مدیر ایتالیایی مدرسه یهودی سنندج این مسئله به معضلی تبدیل شد که لریا برای حل آن از سفارت ایتالیا کمک خواست و سفارت مذکور نیز مداخله مستقیم دولت مرکزی را خواستار شد (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۲۶، پ ۵، ۷؛ استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۲۶، پ ۵، ۱۵).

## ۷. مداخلات سیاسی عوامل مدرسه آلیانس سنندج و واکنش‌ها به آن

مدارس آلیانس پس از گسترش شعبات خود در نواحی مختلف، به تدریج و با پشتیبانی دولت فرانسه شروع کردند به مداخله در امور ولایتی یهودیان. گروه می‌گوید: «اکثر مدیران آلیانس در ایران، وظیفه دفاع از حقوق یهودیان منطقه خود را [برعهده] داشتند» (گروه، ۱۳۶۹، ص ۱۹۳) و مدارس به نوعی به کنسول‌گری دولت فرانسه تبدیل شده بودند. ضعف قوانین اجتماعی و قضایی ایران در آن زمان و نبود قوانین مدون برای رسیدگی به





حقوق يهوديان از دلايل احتمالي اين دخالت‌ها بوده‌است. براي نمونه در آوريل ۱۹۰۹م در درگيري ميان مسلمانان و يهوديان کرمانشاه بسياري از يهوديان خسارت ديده به حيات مدرسه [آليانس] پناه بردند (سرشار، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱). علاوه بر اين، مدارس آليانس به تدريج به پايگاهي براي هميشه‌هاي اجتماعي، ملاقات‌هاي عمده و فعاليت‌هاي يهوديان تبديل شد. هدف از اين تجمعات، تحکيم وحدت قومي يهوديان بود. اين دست از فعاليت‌هاي آليانس در افزايش نفوذ دولت فرانسه هم مؤثر بود. گروه در ديدار از مدرسه آليانس همدان به صراحت به نقش آليانس در نفوذ دولت فرانسه و حمايت‌هاي کنسول‌گري اين کشور اشاره کرده‌است. او پس از ديدن عملکرد مدارس آليانس مي‌گويد: «نظر به مليت آموزگاران فرانسوي آليانس و دخالت‌هاي کنسول‌گري فرانسه به نفع اين نهاد حتي اگر اين مدارس به نفع افزايش نفوذ دولت فرانسه هم تاسيس نشده باشند در عمل همين نتيجه عايد مي‌شود» (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۹۳).

اجتماعات يهوديان در مدارس، آن‌ها را از اقدامات ديگر شعبات آليانس آگاه مي‌کرد؛ موضوعي که تا آن زمان نمودي نداشت. اگرچه، اين مسائل در نگاه نخست نقطه عطفی در ارتقاء وضعيت حقوقی و اجتماعي يهوديان تلقی می‌شد، ولی این همه ماجرا نبود و برخی از مديران مدارس آليانس در قالب همين تجمعات و در زير چتر اين قبيل حمايت‌ها، براي نفوذ در امور سياسي و محلي يهوديان تلاش می‌کردند. اين مداخلات در پاره‌اي از نقاط، به‌ويژه در غرب ايران بيشتري بود و نگراني و حساسيت‌هاي محلي را گاه از سوي يهوديان و گاه از سوي دستگاه‌هاي قدرت محلي برمي‌انگيخت. براي نمونه حکمران همدان در گزارش خود به وزارت امور خارجه، پيامد اعمال نفوذهاي مدير مدرسه آليانس همدان در امور يهوديان اين ولايت را چنين گوشزد کرده‌است: «چندي است کفيل مدرسه مزبوره به اين صرافت افتاده که امور جماعت کلیميان را خودش در حل و عقد درآورده و با بعضی از مفسدين هم مروده براي نيل به اين مقصود می‌کند و جماعت يهود را محرک می‌شود و بديهی است که اگر به مقصود برسد، شش تا هفت هزار کلیمی همدان و رعیت مسلم ايران عاقبت تحت حمايت یک دولت خارجي واقع خواهند شد» (استادوخ، ۱۳۳۱، ک ۵، پ ۲، ۶).

دخالت مدير مدرسه آليانس سنندج در امور يهوديان اين شهر يکي از مسائل ملموس در سال‌هاي نخست فعاليت شعبه آليانس در سنندج بوده‌است. با اتمام مأموريت مسيو هوخبرگ، اندکی بعد مسيو هايون<sup>۱</sup> و همسرش مادام هايون، به مديريت مدرسه آليانس سنندج برگزيده شدند. دوران مديريت اين زن و شوهر، دوره‌اي پرتلاطم در فعاليت‌هاي مدرسه و ارتباط عوامل آن با جامعه يهوديان آنجا بود. مدير جديد، «جواني جاه‌طلب و راغب به مداخلات سياسي در امور جماعت يهوديان بود» (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵،

1. hayon



(۱۴۱)؛ موضوعی که چندان خوشایند یهودیان و مقامات محلی نبود و با واکنش‌های متفاوتی به شرح زیر روبه‌رو شد:

### ۱.۷. واکنش جماعت یهودیان کردستان

نخستین واکنش به مداخلات سیاسی مدیر جدید مدرسه، از سوی خود جماعت یهودیان سنندج بروز کرد. مقارن زمانی که هایون به سنندج آمد، جماعت یهودیان با فخرالملک اردلان مسئول امور مالیاتی خود روابط خوبی نداشتند (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۱۱، پ ۱۳، ۶۸) و پیشتر هم درباب استفاده از جوانانشان به‌عنوان نیروی نگهبان محلات مسلمان‌نشین و فزونی مبلغ جزیه اعتراضاتی داشتند (ناطق، ۱۳۷۵، ص ۱۲۴). ظاهراً در آن زمان امور غیرمسلمین کردستان اعم از یهودیان و مسیحیان هنوز به‌صورت رسمی به کارگزاری محول نشده بود و رسیدگی به امور ولایتی آنان تحت نظارت حکومت محلی بود. این شرایط هایون را واداشت تا در اولین ماه‌های اقامت خود تلاش برای استقلال امور یهودیان را آغاز کند و با مداخله در امور آنان، مراجع قانونی محلی را فاقد صلاحیت در رسیدگی به امور یهودیان جلوه دهد. هایون در ادامه، با تهیه نامه‌ای مبنی بر نارضایتی یهودیان از وضعیت خود، معتمدان یهود را به امضای نامه ترغیب کرد؛ ولی با واکنش‌های مختلفی مواجه شد (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵، ۱۴۱).

جماعت یهود کردستان این اقدام را برنتابیدند و با ارسال پیغام به هایون همکاری با او را «مخالف رعیتی خود اعلام کردند». اختلافات لفظی هایون با جماعت یهود در نهایت به درگیری‌های فیزیکی انجامید (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵، ۱۴۱)؛ ولی یهودیان به شیوه‌های گوناگونی در برابر مداخلات و تحریکات او ایستادگی کردند. آنان معتقد بودند که تنها رسالت اصلی مدرسه آموزش است و هرگونه دخالت نماینده آلیانس در امور ولایتی، خلاف قوانین محلی است. این تضاد عقیده، روابط مدرسه و جماعت یهودی را بیشتر متشنج کرد. هایون برای ارباب مخالفانش، هرگونه اقدامات معتمدان یهود را خنثی می‌کرد (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵، ۱۴۱). جماعت یهود نیز بر مخالفت با هایون اصرار ورزیدند و در ادامه این تقابل، دویست نفر از معتمدان به‌نشانه اعتراض به اقدامات او در کارگزاری بست نشستند. آنان از کارگزار کردستان خواستند که «او را خواسته و نصیحت فرماید»؛ ولی از این امر نتیجه‌چندانی حاصل نشد. هایون در ادامه برای اعمال فشار بیشتر با «مطالبه پول‌های ناشایست» اهالی را تحت فشار مالی قرار داد و به‌بهانه قصور آن‌ها در پرداخت هزینه، مدرسه را به تعطیلی کشاند. این در حالی بود که خانواده‌های یهودی هیچ‌گونه بدهی به مدرسه نداشتند و قبض پرداخت هزینه‌های شش ماهه دانش‌آموزان را

در دست داشتند (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵، ۱۴۱).

اگرچه هايون در زماني اين تحريكات را انجام داد كه يهوديان ساكن سنندج با كارگزاران دولتي در زمينه امور مالياتي اختلاف داشتند، ولي اين موضوع دست‌آويز ضعيفي براي هايون بود؛ چراكه بر زندگي اجتماعي كردهاي يهودي - برخلاف ديگر هم‌كيشان آنان در ساير نقاط ايران - شرايطي از تساهل و تسامح ديني حاكم بود. آنان مدرسه را به‌عنوان نهاد حامی مطالبات حقوقي خود نپذيرفتند و با تأكيد بر تابعيت ايراني خود، از دخالت‌هاي نامربوط مدير مدرسه آليانس در مسائل سياسي شان ناخرسند بودند.

## ۲.۷. واكنش كارگزارى كردستان

كارگزارى، شاخه‌اي از وزارت امور خارجه بود كه از دوره ناصري در شهرهاي مرزي و استراتژيك ايران تاسيس شد. كارگزارى‌هاي هر ايالت و ولايت وظيفه گوناگوني داشتند. منابع، مسئولان كارگزارى‌ها و مدارج اداري را جامع ذكر كرده‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۱۴-۴۱۶). كارگزارى تقريباً در تمام مسائل حقوقي، اجتماعي، سياسي و نظامي مرتبط با كنسول كشورهاي خارجي، اتباع خارجي، مقامات محلي، اقليت‌هاي ديني و... دخالت داشت. در جريان كشمكش جماعت يهوديان با آليانس، كارگزارى كردستان تنها مرجع قانوني قدرتمند محلي بود كه مسئوليت رسيدگي به امور يهوديان را برعهده داشت. با اينكه اقدامات هايون در راستاي تحريك يهوديان مي‌توانست امنيت داخلي را برهم زند، ولي كارگزارى كردستان در برابر وضع پيش آمده اقدام چشمگيري انجام نداد. اين در حالي بود كه يهوديان سنندج، كارگزارى را مرجع قدرتمندي در ايالت مي‌دانستند و با انتخاب آن به‌عنوان محل بست، خواهان مداخله مستقيم اين نهاد شده بودند. بست‌نشينان در كارگزارى در پيغام خود به كارگزار كردستان، تحريكات هايون را غيرقانوني اعلام كردند. آن‌ها با استناد به دلايل تاريخي تأكيد داشتند كه جمعيت يهودي سنندج «قريب سيصد سال است كه در آنجا متوقف [اند] [و] رعيت بيچاره، ماليات‌بده، صادق، خير خواه و دعاگوي دولت ايران هستند و به اعمال نفوذ مدرسه در امور ولايتي خود و حمايتش تمایلي ندارند (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵، ۱۴۱). آنان «از سوءرفتار، حالات و مداخلات هايون در امور داخله و سياسي» خود ابراز نارضائيتي كردند (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۲۶، پ ۵، ۲۲۳) و ضمن برائت از تحريكات هايون عزل او از مديريت مدرسه را خواستار شدند تا هم «اطفال يهود بيچاره ضايع نشوند و هم رعيتي آن‌ها خراب نشود» (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵، ۱۴۱). از آنجا كه كارگزارى در انجام خواسته‌هاي يهوديان گام مثبتي برنداشت، آن‌ها عرايض خود را به وزارت امور خارجه ارسال كردند.



اگرچه دولت مردان قاجار از برهم خوردن امنیت داخلی کردستان و تحریکات مدیریت مدرسه به شدت هراس داشتند، ولی در پاسخ به عرایض اولیه یهودیان، تنها به کارگزاری تأکید کردند که «امور ملل متنوعه کردستان حسب‌الامر با کارگزاری است و باید در کلیه امور آنها، اقدامات کافیه به عمل آورده، موجبات آسایش و امنیت خاطر و ترفیه احوال این جماعت را فراهم کنید که از هر جهت حقوق آنها از تعدی و بی‌اعتدالی و تضییع محفوظ باشد» (استادوخ، ۱۳۲۵، ک ۱۲، پ ۱، ۱۷). در متن این فرمان، نشانی از برخورد صریح و قاطع با مداخلات رئیس مدرسه انعکاس نیافته‌است؛ دلیل این امر، اهمیت و جایگاه آلیانس برای سفارت و دولت فرانسه بوده‌است. سفارت فرانسه با قدرت تمام حامی و پشتیبان مدارس آلیانس بود و از تنش در روابط خود با این نهاد، به دلیل «اسمیت آن در خاک فرانسه» و نیز «جایگاه، شهرت و قدرت اعضای آن» واهمه داشت. از این رو سفارت فرانسه از دولت ایران خواست به کارگزاران نواحی‌ای که شعبات آلیانس اسرائیلیت در آنجا دایر است دستور دهد در برابر رفتار و عملکرد رؤسای مدارس با مصالحه برخورد کنند و از هرگونه مداخله مستقیم اجتناب کنند و مسائل و مداخلات رؤسای مدارس در امور ولایت را به سفارت گزارش دهند (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵، ۸۴). در همین راستا مقامات فرانسه از دولت ایران خواستند که در اصفهان «کارگزار ایالت مراقب باشد کسی بدون جهت متعرض مدرسه آلیانس نشود» (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۳، پ ۱۵، ۸۴)؛ برای کارگزار شیراز نیز دستور صادر کنند که: «مباشرین امور دیوانی نسبت به یهودیانی که می‌خواهند در مدارس مزبوره جمع شوند بدرفتاری نمایند و ترتیب کارهای آلیانس را مختل نسازند» (استادوخ، ۱۳۲۶، ک ۵، پ ۱۴، ۳)؛ ولی اتخاذ این سیاست در سنندج اعتراضاتی را در پی داشت. مداخلات گسترده هیون و مقاومت او در برابر مخالفانش، ثقة‌الملک حکمران وقت کردستان را واداشت تا عرایض متعددی به تهران ارسال کند و خطر مداخلات مدیر مدرسه آلیانس در امور ولایت استراتژیکی چون کردستان را گوشزد کند (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۱۱، پ ۱۳، ۷).

### ۳.۷. واکنش حکمران کردستان

سکوت و انفعال کارگزاری از یک طرف و احساس خطر از اقدامات هیون از طرفی دیگر، حکمران محلی کردستان - ثقة‌الملک - را واداشت تا درباره این اختلافات و پیامدهای آن با وزارت امور خارجه مکاتبه کند. او در متن یکی از عرایض خود اشاره می‌کند که هرچند «ملای یهود [هایون] به نام درس اطفال به سنندج آمده» است، ولی هدفش دخالت و نفوذ در اعمال یهودیان کردستان است (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۱۱، پ ۱۳، ۷). ثقة‌الملک

با تأکید بر اهمیت سیاسی و سوق‌الجیشی کردستان در مرزهای غربی و تأکید بر حفظ امنیت داخلی این منطقه، دولت مرکزی را به هوشیاری و نظارت بیشتر بر رفت‌وآمد مأموران خارجی ترغیب می‌کند. او بر عملکرد کارگزاری نیز ایراد می‌گیرد و نتیجه ضعف نظارت کارگزاری بر فعالیت‌های معلمان اعزامی را «تولید زحمت برای دولت و ملت» در کردستان می‌داند (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۱۱، پ ۱۳، ۷). او هم‌چنین با تأکید چندباره بر اهمیت موقعیت جغرافیایی کردستان، دخالت مستقیم دولت و «نظارت بصیرانه کارگزاری بر اعمال یهودیان» را تقاضا می‌کند. ثقة‌الملک در ادامه برای کنترل وضعیت پیش‌آمده پیشنهادهایی ارائه می‌دهد، مبنی بر اینکه، حکومت مرکزی باید با مداخله مستقیم به عوامل مدرسه آلیانس سنندج تفهیم کند که امور یهودیان به کارگزاری مربوط است و اختلافات در زمینه امور مالیاتی موضوعی داخلی است و به سرپرستی و محاکمات<sup>۱</sup> یهودیان ربطی ندارد (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۱۱، پ ۱۳، ۷). ثقة‌الملک هم‌چنین در اخراج هایون با جماعت یهودیان هم‌عقیده است و تأکید می‌کند که شخص مذکور باید هرچه «زودتر اخراج شود تا خیالات فاسده او در کردستان میان جماعت یهود منتشر نشود» (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۲۶، پ ۵، ۲۲۳).

پیرو مکاتبات ثقة‌الملک و جماعت یهودیان، فرمانی از سوی حکومت مرکزی صادر شد و قرار شد تا مشخص شدن وضعیت و کسب اطلاع درباره هایون، یهودیان از فرستادن اطفالشان به مدرسه آلیانس سنندج خودداری کنند (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۱۱، پ ۱۳، ۳۸). پس از تحقیقات لازم در پاسخ به عرایض حاکم کردستان و جماعت یهودیان، «نیات فاسده ملاهای یهود<sup>۲</sup> [هایون و همکارش] که از روسیه ... به اسم تعلیم اطفال آمده‌اند» برای دولت مرکزی آشکار شد و مقرر شد تا ثقة‌الملک در رابطه با امور یهودیان، «کفیل منع مفاسد» شود (استادوخ، ۱۳۲۴، ک ۱۱، پ ۱۱، ۶۸) و هایون نیز از مدیریت مدرسه آلیانس خلع و از کردستان اخراج شود.

مشکلاتی که از فعالیت مدیریت هایون در سنندج بروز کرد باعث شد تا دولت مرکزی پس از آن با حساسیت بیشتری بر عملکرد مدیران جدید این مدرسه نظارت کند. برای نمونه یکی مهم‌ترین مسائل پس از اخراج هایون مسئله خرید ساختمان جدید برای مدرسه بود که با موانع و سخت‌گیری‌های زیادی از سوی دولت مواجه شد.

## ۸. تغییر مکان مدرسه آلیانس و موانع آن

چند سال پس از اخراج هایون وقعه‌ای در اداره امور مدرسه آلیانس به وجود آمد. مسیو طارگانو<sup>۳</sup>، مدیر وقت آلیانس سنندج، دلیل این امر را «کم‌وسعتی و خرابی ابنیه و انهدام

۱. محاکمات: جمع محکمه  
۲. علاوه بر هایون، هم‌رت نامی (homert) هم به عنوان همکار هایون به سنندج آمده بود.  
3. Targano



پاره‌ای از اطاق‌های ساختمان مدرسه» عنوان کرده‌است (استادوخ، ۱۳۲۷، ک ۵، پ ۳، ۱۱). برای توسعه فضای مدرسه معین شد تا مسیو طارگانو به نیابت از آلیانس، عمارت بزرگی را تهیه و خریداری کند که وسعت کافی و اتاق‌های فراوان داشته باشد. مقدمات کار انجام شد و خانه فتاح‌بیگ معتمدالسلطان، یکی از نجبای محلی، برای این کار در نظر گرفته شد؛ ولی این انتخاب زمانی رسمیت می‌یافت که از طرف وزارت امور خارجه و در نهایت وزارت معارف مجوز انعقاد معامله صادر شود. طارگانو برای جلب «توجهات اولیای دولت» به اهمیت مکان جدید، اظهار داشت: «اطفال جماعت کلیمی و... در مکان جدید به فراغتی و آسودگی حواس، مشغول تحصیل علوم و کمالات می‌شوند و اسباب مزید معارف برای ملت خواهند شد» (استادوخ، ۱۳۲۷، ک ۵، پ ۳، ۱۱). این توضیحات اثربخش نبود و نماینده آلیانس نتوانست دولت مرکزی را برای خریداری ساختمان جدید مدرسه مجاب کند.

دولت به موضوع خرید ساختمان جدید برای آلیانس چندان خوش بین نبود. بخشی از این بدبینی به وضعیت ناآرام سیاسی سنندج بازمی‌گشت. مقارن سال ۱۳۲۸ ق ناآرامی‌های داخلی سنندج و نواحی اطراف، امنیت محلی را برهم زد تا جایی که سفارت عثمانی مداخله کرد و «شرحی مبسوط دایر به احوال کردستان و عدم انتظام آن صفحات» برای وزارت امور خارجه ارسال کرد (استادوخ، ۱۳۲۸، ک ۲۴، پ ۲۵، ۴).

بخشی دیگر از بدبینی‌های دولت به درخواست مدیر مدرسه آلیانس، ناشی از مشکوک بودن فعالیت مدیر در زمینه خرید خانه فتاح‌بیگ بود. طارگانو به عنوان نماینده آلیانس، زیر بار شفاف‌سازی اهدافش از خرید ساختمان بزرگی با آن وسعت نمی‌رفت و مدام در مکاتباتش بر تشریح وضعیت نابه‌سامان اطفال یهود تأکید داشت که «همه مضطرب و پریشان و عموماً منتظر بذل موهبت‌اند. خدا را خوش نمی‌آید به واسطه خرابی مدرسه حالیه، اطفال یتیم و صغیر از تحصیل و امانند و اوقات را به تضييع بگذرانند» (استادوخ، ۱۳۲۸، ک ۵، پ ۵، ۶۵). هم‌چنین او سعی داشت احساسات دولت مردان را برانگیزاند؛ ولی دولت در این زمینه هیچ‌گاه از موضع خود کوتاه نیامد و تنها اجازه «خریداری خانه‌های مزبور را» برای احداث مدرسه و نه فعالیتی غیر از آن صادر کرد (استادوخ، ۱۳۲۸، ک ۵، پ ۵، ۶۴). دولت هم‌چنین، کارگزاری کردستان را به انجام تحقیقات لازم مکلف کرد تا اطمینان حاصل کند که آلیانس به‌غیر از اهداف آموزشی، «خیالی دیگر ندارد» (استادوخ، ۱۳۲۸، ک ۵، پ ۵، ۶۶). پس از انجام تحقیقات کافی، وزارت معارف به دلیل شفاف نبودن اهداف مدیر مدرسه، اجازه خرید خانه فتاح‌بیگ را نداد و مقرر شد آلیانس در مکانی دیگر «به اندازه یک مدرسه، محلی به جهت خود خریداری نماید» (استادوخ، ۱۳۲۸، ک ۵، پ ۵، ۶۸).

دخالت‌های هایون در امور سیاسی یهودیان و در ادامه شفاف‌سازی نکردن طارگانو در خرید ساختمان جدید برای مدرسه، همواره دولت‌مردان قاجار را از تحریک یهودیان و برهم خوردن امنیت داخلی کردستان نگران می‌کرد. از این رو دولت با دقت بیشتر، بر عملکرد مدیر مدرسه و فعالیت‌های او نظارت می‌کرد و همواره از حمایت سفارت فرانسه از اعمال آلیانس و دخالت در امور یهودیان ناخرسند بود؛ با این حال وضعیت سیاسی متزلزل کشور در آن دوران اجازه برخوردی قاطع را به سیاستمداران نمی‌داد. شعبه آلیانس سنندج تا پایان دوره قاجار، با فراز و فرودهایی به فعالیت خود ادامه داد. پس از مدتی دامنه فعالیت‌های فرهنگی این نهاد توسعه یافت و در شهر گروس<sup>۱</sup> - که تعدادی از ساکنان آن یهودی بودند - شاخه‌ای جدید از آلیانس گشوده شد.

## ۹. نتیجه

این پژوهش در پاسخ به پرسش‌های مطرح نشان می‌دهد که سنندج به‌عنوان یکی از مناطقی که جمعیت قابل توجهی از یهودیان را در خود جای داده بود، مورد توجه اولیای نهاد آلیانس قرار گرفت. نظام آموزش سنتی این جمعیت هم‌چون دیگر بخش‌های کشور ضعیف بود؛ بنابراین نهاد مذکور، در سال ۱۳۱۸ ق در پی درخواست یهودیان این شهر، با گشایش شعبه سنندج موافقت کرد. این مدرسه، ابتدا در ملکی استیجاری مستقر شد و چند سال بعد، عوامل آن برای احداث ساختمانی جدید برای مدرسه کوشش کردند که با مشکلات و موانع اداری، اقتصادی و فرهنگی مواجه شدند. این مدرسه با اتخاذ شیوه آموزشی جدید، آموزش سنتی یهودیان را متحول کرد و وضع فرهنگی و اجتماعی یهودیان را ارتقا داد. علاوه بر این، تدریس علوم مدرن در این مدرسه، پرهیز از تبلیغ دینی خاص و غیر مذهبی بودن فضای آن، باعث جلب توجه دانش‌آموزان مسلمان نیز شد و به رونق و توسعه این مدرسه کمک کرد. ولی فقدان قوانین مدون در ایران عهد قاجار - که حامی مطالبات و حقوق اجتماعی یهودیان باشد - برخی از مدیران مدرسه سنندج را تحریک کرد تا علاوه بر آموزش، در امور سیاسی و ولایتی یهودیان نیز دخالت کنند. این دخالت‌ها در شهری چون سنندج چندان مورد استقبال جماعت یهودیان قرار نگرفت و حتی در برابر آن ایستادگی شد. علاوه بر آن، حکومت محلی نیز به تحرکات مدیران مدرسه آلیانس واکنش نشان داد و با تأکید بر اهمیت استراتژیکی کردستان، دولت و خاصه وزارت امور خارجه را به نظارت بیشتر بر عملکرد مدیران مدرسه آلیانس دعوت کرد تا مبادا افکار مخرب برخی از عوامل مدرسه در میان یهودیان منتشر شود. دولت قاجار به این هشدارها توجه کرد و پس از آن با حساسیتی بیشتر بر عملکرد مدیران اعزامی آلیانس به سنندج نظارت می‌کرد.

۱. گروس یکی از بلوکات تابع کردستان اردلان بود.



## منبع

### اسناد

#### اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

۱۳۲۱ ه. ق/ک/۲۸ پ/۴۷؛ ۱۳۲۱ ه. ق/ک/۲۸ پ/۴۷؛ ۱۳۲۱ ه. ق/ک/۲۸ پ/۴۷؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛  
۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛  
۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛  
۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛  
۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛  
۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛  
۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛  
۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛ ۱۳۲۴ ه. ق/ک/۳۲ پ/۸۴؛

#### سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۱۷۳۳۸-۲۹۷؛ ۲۹۷-۲۶۹۰۵

### کتاب فارسی

احتشام السلطنه، میرزا محمود. (۱۳۶۷). *خطرات احتشام السلطنه*. (ج ۲). (سید محمد مهدی موسوی، کوشش گر). تهران: زوار.

اعتماد السلطنه، محمد حسن. (۱۳۶۳). *المآثر والآثار*. (ج ۱). (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: اساطیر.

امیر، منشه. (۲۰۱۴). *یهود، ایران، اسرائیل* (رشته گفت و گوهای رادیوئی با پروفیسور آمنون نتصر درباره سرگذشت ملت یهود و سرزمین اسرائیل، پیوند یهودیان با فرهنگ ایران زمین و اماکن مقدس یهودی ایران). اورشلیم: اندیشه.

اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷: ایران و بین النهرین*. (علی اصغر سعیدی، مترجم). بی جا: کتاب فروشی زوار.

ایازی، برهان. (۱۳۷۱). *آئینه سندهج*. ناشر: مؤلف.

پولاک، ادوارد یاکوب. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*. (کیکاوس جهاننداری، مترجم). تهران: خوارزمی.

جکسن، ابراهم ولتاین ویلیامز. (۱۳۵۷). *سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)*. (ج ۲). (منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، مترجمان). تهران: انتشارات خوارزمی.

چریکوف، واسیلی ایوانوویچ. (۱۳۷۹). *سیاحت نامه مسیو چریکوف*. (آبکار مسیحی، مترجم؛ علی اصغر عمران، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.



- حیرت سجادی، سید عبدالحمید. (۱۳۸۰). *پیشینه آموزش و پرورش کردستان (۱۲۷۳-۱۳۲۰ ش.)*. (ج ۱). تهران: عابد.
- خاطرات خاخام یدیدیا شوفط*. (۲۰۰۱). (منوچهر کوهن، کوشش گر). لوس آنجلس: بنیاد فرهنگی خاخام یدیدیا شوفط.
- خلیلی، الیه. (۲۰۰۴). *یادی از گذشته‌ها: زندگی و سرنوشت یهودیان کرد ایران*. لوس آنجلس: نشر کتاب.
- دیولافوا، مادام ژان. (۱۳۷۱). *ایران، کلد و شوش*. (ج ۵). (علی محمد فره‌وشی (مترجم همایون)، مترجم؛ دکتر بهرام فره‌وشی، کوشش گر). تهران: دانشگاه تهران.
- رایینو، یاسنت لوتی. (۱۳۹۱). *گزارشی از بازرگانی و اجتماع شهر و ایالت کرمانشاه در سده نوزدهم میلادی*. (محمدرضا فریبرز) همزه‌ای، مترجم). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- سالنامه معارف کردستان ۱۳۱۵-۱۳۱۶*. وزارت فرهنگ. تهران: شرکت سهامی عام.
- سرشار، هومن. (۱۳۸۷). *فرزندان آستر (مجموعه مقالاتی درباره تاریخ و زندگی یهودیان در ایران)*. (مهرناز نصیری، مترجم). تهران: کارنگ.
- سندجی، میرزا شکرالله. (۱۳۷۵). *تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان*. (ج ۲). (حشمت‌الله طیبی، مصحح). تهران: امیرکبیر.
- غفاری، ابوالحسن. (۱۳۳۸). *تاریخ روابط ایران و فرانسه: از ترور ناصرالدین شاه تا پایان جنگ جهانی اول*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کهن، گوئل. (۲۰۱۰). *بر بال خرد (گام به گام با خاخام یدیدیا شوفط به کاشان، تهران و لس آنجلس)*. لس آنجلس: بنیاد آموزشی خاخام یدیدیا شوفط.
- کهن، یوسف. (۱۳۹۲). *گزارش‌ها و خاطرات، فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی*. لس آنجلس: نشر کتاب.
- گروته، هوگو. (۱۳۶۹). *سفرنامه گروته*. (مجید جلیل‌وند، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- لوی، حبیب. (۱۳۳۹). *تاریخ یهود ایران و قسمت‌هایی از تاریخ بعضی از ملل که وابسته به تاریخ یهود می‌باشند*. (ج ۳). بی‌جا: کتاب‌فروشی یهودا بروخیم.
- مردوخ کردستانی، شیخ‌محمد. (۱۳۷۹). *تاریخ مردوخ*. تهران: کارنگ.
- مهریار، محمد و دیگران. (۱۳۷۸). *اسناد تصویری شهرهای ایرانی: دوره قاجار*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ناطق، هما. (۱۳۷۵). *کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران*. پاریس: خاوران.
- نتصر، آمنون. (۱۹۹۶). *پژوهش‌نامه یهود ایران (پادیانند)*. (ج ۱، ج ۳). لس آنجلس: انتشارات مزدا.
- همراه با فرهنگ: *گوشه‌ای از تاریخ موسسه آلیانس در ایران، خاطرات الیاس اسحقیان مدیر و دبیر مدارس اتحاد در اصفهان، یزد، سندج و تهران*. (۲۰۰۸). (گوئل کوهن، پژوهش گر). لس آنجلس: بی‌نا.



## کتاب‌کردی

ریچ، کلودیوس جیمس. (۲۰۰۲). *گه‌گشتی ریچ ب‌و کوردستان ۱۸۲۰*م. چاپی سیبه م. وره‌گیرانی له عه‌ربیه‌وه، محهمهد حه‌مه‌باقی. هه‌ولیر: ئاراس.

## مقاله

سادات بیدگلی، سیدمحمود. (۱۳۹۶). «تحلیل نحوه‌ایجاد و فعالیت مدرسه‌آلیانس کاشان». *دیار (فصل‌نامه‌ پژوهش‌های محلی و منطقه‌ای بنیاد محسنی)*، شماره ۴، (تابستان).  
سلطانیان، ابوطالب. (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). «کارکرد نهادهای آموزشی فرانسه در ایران از اوایل دوره‌قاجار تا جنگ جهانی اول». *پژوهش‌نامه‌ تاریخ تمدن اسلامی*، سال ۴۳، شماره ۱، (تابستان)، صص ۵۷-۸۰.  
نعمتی، نورالدین؛ ادوای، مظهر. (۱۳۹۲). «مدارس کلیمیان و نظام نوین آموزش ملی در ایران». *پژوهش‌های علوم تاریخی دانشگاه تهران*، دوره ۵، شماره ۲، (پاییز و زمستان)، صص ۱۵۳-۱۷۲.

## مصاحبه

احمدی آیین، جمال. (۱۳۹۷/۹/۲۰). *سندج*.

## English Translation of References

### Documents

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ostādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

ه.ق / ک 28 / پ 5 / 46 / 1321 ه.ق / ک 28 / پ 5 / 47 / 1321 ه.ق / ک 28 / پ 5 / 48 / 1321

1324 ه.ق / ک 3 / پ 15 / 84 / 1324 ه.ق / ک 3 / پ 15 / 141 / 1324 ه.ق / ک 11 / پ 11 / 68 /

1324 ه.ق / ک 11 / پ 13 / 7 / 1324 ه.ق / ک 11 / پ 13 / 38 / 1324 ه.ق / ک 11 / پ 13 / 68 /

1324 ه.ق / ک 26 / پ 5 / 7 / 1324 ه.ق / ک 26 / پ 5 / 15 / 1324 ه.ق / ک 26 / پ 5 / 223 /

1325 ه.ق / ک 12 / پ 1 / 17 / 1325 ه.ق / ک 16 / پ 11 / 19 / 1326 ه.ق / ک 5 / پ 14 / 3 /

1327 ه.ق / ک 5 / پ 3 / 11 / 1328 ه.ق / ک 5 / پ 5 / 64 / 1328 ه.ق / ک 5 / پ 5 / 65 / 1328

ه.ق / ک 5 / پ 5 / 66 / 1328 ه.ق / ک 5 / پ 5 / 68 / 1328 ه.ق / ک 24 / پ 4 / 25 / 1331 ه.ق /

ک. [Persian] 5 / 2 / 6 / 1331 ه.ق / ک 25 / 9 / 38

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Ar-



chives Organization of Iran): 297-26905; 297-17238. [Persian]

## Books

- Amir, Menashe. (2014). *“Yahud, Irān, esrāeel: Rešteh goftegu-hā-ye radio-yi bā profesor Āmnon Netser darbāre-ye sargozašt-e mellat-e Yahud va sarzamin-e Esrāeel, peyvand-e Yahudiān bā farhang-e Irān-Zamin va amāken-e moqaddas-e Yahudi-ye Irān”* (Jews, Iran, Israel: Audio talks with Amnon Netzer). Oršalim: Andišeh. [Persian]
- Aubin, Eugene. (1362/1983). *“Irān-e emruz (1906-1907): Irān va Bein-on-nahreīn”* (La Perse d’aujourd’hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia] (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Ali Asghar Saeedi. [n. p.]: Ketābforuši-ye Zovvār. [Persian]
- Ayazi, Borhan. (1371/1992). *“Āyine-ye Sanandaj”* (Reflections of Sanandaj). Self-published. [Persian]
- Chrykov, Vasily Ivanovich. (2000/1379). *“Siāhat-nāme-ye musiyo Čerikof”* (Путешествие месье Хрыкова) [Travelogue of Monsieur Chrykov]. Translated by Abkar Masihi. Edited by Ali Asghar Omran. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Cohn, Guel. (2010). *“Bar bāl-e xerad: Gām be gām bā Hāxām Yedidiā Šofet be Kāšān, Tehrān va Los Anjeles”* (Upon the wings of wisdom: Step by step with Rabbi Yedidia to Kashan, Tehran and Los Angeles). Los Angeles: Bonyād-e Āmuzeši-ye Xāxām Yedidiā Šofet (Hacham Yadidia Shofet Educational Foundation). [Persian]
- Cohn, Yusof. (2013/1392). *“Gozāreš-hā va xāterāt, fa’āliat-hā-ye siāsi-ejtemāee”* (Reports and memoirs, socio-political activities). Los Angeles: Našr-e Ketāb. [Persian]
- Dieulafoy, Jane. (1992/1371). *“Irān, Kaldeh va Šuš”* (La Perse, la Chaldee et la Susiane: Relation de voyage) [Persia, Chaldea and Susiana: Travel report] (5<sup>th</sup> ed.). Translated by Ali Mohammad Faravashi. Edited by Dr. Bahram Faravashi. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Ehtesham Al-Saltaneh, Mirza Mahmood. (1988/1367). *“Xāterāt-e Ehtešām-os-Saltaneh”* (Memories of Ehtesham Al-Saltaneh) (2<sup>nd</sup> ed.). Edited by Seyyed Mo-

- hammad Mehdi Mousavi. Tehran: Zovvār. [Persian]
- E'temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1984/1363). "*Al-Ma'āser-o val-āsār*" (Forty years of Iran's history during Nasir al-Din Shah's era) (vol. 1). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Ghaffari, Abolhasan. (1989/1368). "*Tārix-e ravābet-e Irān va Farānseh: Az terror-e Nāser-ed-Din Šāh tā pāyān-e jang-e jahāni-ye avval*" (History of Iran-France relations: From the assassination of Nasser al-Din Shah to the end of the First World War). Tehran: Markaz-e Našr-e Dānešgāhi. [Persian]
- Ghasemi Pouya, Eghbal. (1998/1377). "*Madāres-e jadid dar dowre-ye Qājārieh: Bāniyān va pišrovān*" (New schools in the Qajar period: Founders and pioneers). Tehran: Markaz-e Našr-e Dānešgāhi. [Persian]
- Grothe, Hugo. (1990/1369). "*Safār-nāme-ye Grothe*" (Grothe's travelogue). Translated by Majid Jalilvand. Tehran: Našr-e Markaz. [Persian]
- "*Hamrāh bā farhang: Guše-ee az tārix-e mo'assese-ye Āliāns dar Irān, xāterāt-e Elyās Eshāqiān, modir va dabir-e madāres-e Ettehād dar Esfahān, Yazd, Sanandaj va Tehrān*" (Along with culture: A glance at the history of Alliance Institute in Iran, memories of Elyas Eshaghian). (2008). Investigated by Guel Cohn. Los Angeles: n. p. [Persian]
- Heyrat Sajjadi, Seyyed Abdolhamid. (2001/1380). "*Pišine-ye āmuzeš va parvareš dar Kordeštān: 1320 – 1273 SH*" (History of education in Kurdistan: 1894 – 1941) (vol. 1). Tehran: Ābed. [Persian]
- Jackson, Abraham Valentine Williams. (1978/1357). "*Safarnāme-ye Jakson: Irān dar gozšte va hāl*" (Persia past and present) (2<sup>nd</sup> ed.). Translated by Manouchehr Amiri & Fereydoun Badrehei. Tehran: Enteshārāt-e Xārazmi. [Persian]
- Khalili, Alieh. (2004). "*Yādi az gozašte-hā: Zendegi va sarnevešt-e Yahudiān-e Kord-e Irān*" (Remembrance of the past: The life and fate of the Kurdish Jews of Iran). Los Angeles: Našr-e Ketāb. [Persian]
- Levy, Habib. (1960/1339). "*Tārix-e yahud-e Irān va qesmat-hā-yi az tārix-e ba'zi az melal ke vābašte be tārix-e yahud mi-bāšand*" (The comprehensive history of the Jews of Iran) (vol. 3). [n. p.]: Ketāb-foruši-ye Yahudā Beroxim (Yahuda Ber-

- okhim Bookstore). [Persian]
- Mardoukh Kordestani, Sheikh Mohammad. (2000/1379). *“Tārix-e Mardux”* (History of Marduk). Tehran: Kārang. [Persian]
- Mehryar, Mohammad et al. (1999/1378). *“Asnād-e tasviri-ye šahr-hā-ye Irāni: Dowre-ye Qājār”* (Pictorial documents of Iranian cities in the Qajar period). Tehran: Dānešgāh-e Šahid Behešti (Shahid Beheshti University) va Sāzmān-e Mirās-e Farhangi-ye Kešvar (Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicraft Organization). [Persian]
- Nategh, Homa. (1996/1375). *“Kārnāme-ye farhangi-ye farangi dar Irān”* (Report card on western culture in Iran). Paris: Xāvarān. [Persian]
- Netzer, Amnon. (1996). *“Pažuheš-nāme-ye yahud-e Irān: Pādiāvand”* (Amnon Netzer: Podyavand) (vol. 1 & 3). Los Angeles: Enteshārāt-e Mazdā. [Persian]
- Polak, Jakob Eduard. (1982/1361). *“Safar-nāme-ye Polāk: Irān va Irāniān”* (Persien, das land und seine bewohner; Ethnographische schilderungen) [Persia, the land and its inhabitants: Ethnographic descriptions]. Translated by Keykavous Jahangiri. Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Rabino, Hyacinth Louis. (1986/1365). *“Gozāreši az bāzargāni va ejtemā’-e šahr va eyālat-e Kermānšāh dar sade-ye nuzdahom-e milādi”* (Diplomatic and consular reports: Persia. Report on the trade and general condition of the city and province of Kermanshah). Translated by Mohammadreza (Fariborz) Hamzei. Kermānšāh: Dānešgāh-e Rāzi (Razi University). [Persian]
- Rich, Claudius James. (2002). *“Gešti Rič bu Kurdištān 1820”* (Narrative of a residence in Koordistan, and on the site of ancient Nineveh; with journal of a voyage down the Tigris to Bagdad and an account of a visit to Shirauz and Persepolis) (3<sup>rd</sup> ed.). Translated from Arabic to Kurdish by Mohammad Hamebaghi. Arbil: Ārās. [Kurdish]
- “Sāl-nāme-ye ma’āref-e Kordestān 1315-1316”* (Yearbook of Kurdistan Edification 1315-1316 SH / 1936-1937 AD). Vezārat-e Farhang (Ministry of Culture). Tehran: Šerkat-e Sahāmi-ye ‘Ām. [Persian]
- Sanandaji, Mirza Shokrollah. (1996/1375). *“Tohfe-ye Nāseri dar tārix va joqrāfiā-ye*



- Kordestān*” (History and geography of Kurdistan in Naser al-Din Shah era) (2<sup>nd</sup> ed.). Edited by Heshmatollah Tabibi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Sarshar, Houman. (2008/1387). *“Farzandān-e Ešter: Majmu’e maqālātī darbāre-ye tārix va zendegi-ye yahudiān dar Irān”* (Esther’s children: A portrait of Iranian Jews). Translated by Mehrnaz Nasirieh. Tehran: Kārang. [Persian]
- “Xāterāt-e Xāxām Yedidiā Šofet”* (The memories of Rabbi Yedidia Shofet). (2001). Edited by Manouchehr Cohn. Los Angeles: Hacham Yadiidia Shofet Educational Foundation. [Persian]

### Articles

- Nemati, Nour Al-Din; & Adavi, Mazhar. (2013 & 2014/1392). “Madāres-e kalimiān va nezām-e novin-e āmuzeš-e melli dar Irān” (Jewish schools and the new national system of education in Iran). *Pažuheš-hā-ye ‘Olum-e Tārixī-ye Dānešgāh-e Tehrān* (Historical Sciences Studies, Scientific-Research Journal of University of Tehran, ), 5(2), (Fall & Winter), pp. 153-172. [Persian]
- Sadat Bidgoli, Seyyed Mahmoud. (2017/1396). “Tahlil-e nahve-ye ijād va fa’āliat-e madrese-ye Āliāns-e Kāšān” (An analysis of the creation and functionality of Kashan Alliance School). *Diyār (Fasl-nāme-ye Pažuheš-hā-ye Mahalli va Mantaghe-ee-ye Bonyād-e Mohseni)* (Diyar, a Local and Regional Studies Quarterly, Mohammad H. Mohseni Charitable Foundation), (Summer) issue 4. [Persian]
- Soltanian, Abu Taleb. (2010-2011/1389; Fall & Winter). “Kārkard-e nahād-hā-ye āmuzeši-ye Farānseh dar Irān az avāyel-e dowre-ye Qājār tā jang-e jahāni-ye avval” (The function of French educational institutions in Iran from the beginning of Qajar era to the World War I). *Pažuheš-nāme-ye Tārix-e Tamaddon-e Eslāmi* (Iranian Journal for the History of Islamic Civilization), 1(43), (Summer), pp. 57-80. [Persian]

### Interview

- Ahmadi Ayin, Jamal. (2018/12/11/1397/9/20 ). Sanandaj. [Persian]

